

ظرفیت‌های اقتصادی حوزه آمریکای لاتین برای مقابله با بلوک غرب

دکتر احد نوری اصل

دکتری علوم سیاسی



باید از منطقه آمریکای لاتین به‌عنوان یکی از غنی‌ترین و ثروتمندترین مناطق جهان یاد کرد. بیش از بیست و یک میلیون کیلومترمربع مساحت این منطقه است که دربرگیرنده منابع متنوع معدنی، صنعتی، کشاورزی و بهره‌مند از ذخایر عظیم نفت و گاز است. همین ظرفیت‌ها به میزان کافی، جذابیت و اثرگذاری برای حوزه آمریکای لاتین در عرصه اقتصادی ایجاد می‌کند تا توجه سایر کشورها به آن جلب شود؛ ازاین‌رو در طول سده‌ها، شاهد استعمارگری قدرت‌های اروپایی در این منطقه بوده‌ایم. در عصر جدید نیز ایالات متحده آمریکا به بهانه پدرخواندگی و با سیاست دکترین مونروئه، جای پای خود را در حوزه آمریکای لاتین مستحکم کرد اما با خیزش نارضایتی‌های استقلال‌طلبانه مردم این منطقه، با عنوان چپ‌گرایی، هم‌اکنون شاهد تضعیف بیش‌ازپیش موقعیت واشنگتن در سطح آمریکای لاتین هستیم. در این مقاله، توان و قابلیت‌های اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین برای مقابله با آمریکا، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

مقدمه

استقلال طلبی ملت های آمریکای لاتین در دهه های گذشته، عاملی برای مقابله با غارت ظرفیت های بنیادین و اقتصادی این کشورها بوده است؛ بنابراین این منطقه در حال حاضر به این میزان از بلوغ و تجربه رسیده است که ظرفیت های اقتصادی بی-نهایت خود را در دست، در اختیار آمریکایی ها قرار ندهد و از این رو به شراکت با سایر کشورهای جهان در حوزه اقتصادی و تجاری روی آورد.

تجربه شکست خورده و خفت بار موافقت نامه آلکا (در سال ۱۹۹۴) که درصدد برقراری تجارت آزاد بود و پیامدی جزویرانی بنیان-های اقتصادی آمریکای لاتین زیر بار واردات گسترده نداشت، در این تصمیم گیری راهبردی، کشورهای حوزه آمریکای لاتین نقش مؤثری ایفا کردند. ضمن آنکه جاذبه های اقتصادی قوی برای سرمایه گذاری، فرصت استفاده از بازارهای این منطقه، نیروی کار و منابع غنی نفت، گاز، اورانیوم و... در ذات خود، سبب می گردد تا کلیه بازیگران فعال اقتصادی به این منطقه روی آورند.

علیه دولت های سرمایه داری وابسته!

در این میان، یک نکته مهم را نباید نادیده گرفت و آن تجربه شکست خورده دولت های راست گرا و متحد آمریکا در کشورهای منطقه است. این دولت ها به دلیل ماهیت ویژه خود، از سیاست های اقتصادی بازار آزاد حمایت کرده-اند و با اجرای قواعد نئولیبرالیستی، شکاف فقیر و غنی در این جوامع را توسعه داده اند؛ از این رو کشورهایی که به لحاظ منابع غنی خود، ثروتمند به شمار می آیند، به سبب سیاست های اقتصادی

ناکارآمد راست گرایان، همواره با چالش های بزرگی در حیطه توزیع درآمد و گستردگی فقر روبه-رو بوده اند؛ به این سبب، گروه های چپ گرا و ضد آمریکایی (که مخالف سیاست های اقتصادی نام-برده و شعارهای برابری طلبانه بودند)، همواره از محبوبیت و پایگاه اجتماعی قابل قبولی در کشور خود برخوردار هستند.

اهمیت دلارزدایی!

می توان گفت تجربه تاریخی مردم آمریکای لاتین، آنها را به این باور رساند که باید با بهره گیری از ذخایر بزرگ خدادادی و در پرتو گرفتن سیاست های متوازن خارجی و روابط با قدرت های مستقل و نوظهور و رهایی از بند استعمار طلبی ایالات متحده در شرایط امروز، ظرفیت های اقتصادی خود را فعال نمایند.

از سوی دیگر، رویکرد ظالمانه تحریمی مورد استفاده ایالات متحده آمریکا علیه کشورهای هدف، سبب گردیده است تا تحریم-شدگان و کشورهای مخالف وضع موجود، در پی چاره اندیشی برای پایان این روند باشند. به این منظور، ایده دلارزدایی و استفاده از ارزهای مشترک جایگزین دلار در مبادلات مالی با وسعت بالا در منطقه آمریکای لاتین مورد پذیرش قرار گرفته است. در این میان، پیوستن کشورهای مهمی مانند چین و روسیه به فرایند دلارزدایی، خود یک عامل مهم در زمینه احتمال موفقیت خنثی سازی راهبرد ظالمانه فشار آمریکایی به شمار می رود.

ائتلاف های منطقه ای اقتصادی!

همچنین باید از تلاش کشورهای آمریکای لاتین برای شکل دهی به ائتلاف های اقتصاد محور برای مقابله با

علاوه بر این باید از اتحادیه اونسور یعنی جنوب واحد، به عنوان یک سازوکار منطقه‌ای - اقتصادی دیگر در حوزه آمریکای لاتین یاد کرد که مسائلی همچون مبارزه با فقر و نابرابری، افزایش رفاه، مشارکت مدنی و... را دنبال می‌کند. اونسور دربرگیرنده و جامع دو سازمان اقتصادی مرکوسور و جامعه آند، به شمار می‌رود. مورد خاص چین!

به هر ترتیب، ذخایر بزرگ معدنی و طبیعی در منطقه آمریکای لاتین، در کنار بی‌اعتمادی این کشورها به ایالات متحده، سبب گردیده است تا ظرفیت‌های اقتصادی این حوزه، با همکاری اعضای آن، با قدرت‌های نوظهور و مستقل جهانی فعال شود. در این میان، جایگاه چین، به عنوان گزینه اصلی رهبری اقتصاد جهانی در آینده، بسیار مهم است.

مداخلات همیشگی آمریکایی‌ها به عنوان یک ظرفیت مهم دیگر در این عرصه یاد کرد. چنان‌که سازمان منطقه‌ای مرکوسور (شامل کشورهای چوون برزیل، آرژانتین، اوروگوئه؟ و پاراگوئه)، یک بلوک تجاری در این حوزه به شمار می‌آید که آشکارا در راستای مقابل تلاش آمریکا برای انعقاد پیمان تجارت آزاد با اعضای این منطقه ایجاد شد.

اتحادیه آلبا، سازوکار منطقه‌ای دیگری بود که به ابتکار هوگو چاوز تشکیل گردید تا «اتحاد بولیواری برای آمریکای لاتین» را محقق سازد. دستور کار اتحادیه آلبا، موضوعاتی مانند بانک، صندوق غذایی، شرکت نفت و برنامه‌های آموزشی و بهداشتی را شامل می‌شود و هدف مبارزه با فقر و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو را پیگیری می‌نماید.



به نظر می‌رسد با اراده دولت‌ها و ملت‌های آمریکای لاتین، آمریکایی‌ها نمی‌توانند رویه خسارت‌بار پیشین در تحمیل قراردادهای استعماری برگرده این منطقه را تکرار کنند. بلوغ و خودآگاهی کشورهای این حوزه، تلاش آنها برای ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و تمایل به همکاری‌های همه‌جانبه با قدرت‌های نوظهور و مستقل جهانی در عرصه اقتصادی و تجاری، مهم‌ترین موانع پیش‌روی آمریکایی‌ها برای پیگیری اهداف یک‌جانبه‌گرایانه‌شان به شمار می‌آید؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که در سایه چنین شرایطی، بستر مساعدی برای رشد و توسعه اقتصادی منطقه آمریکای لاتین ایجاد گردد.

چینی‌ها با گسترش مناسبات سیاسی با دولت‌های آمریکای لاتین، به صورت فزاینده‌ای در حال تضعیف بیشتر موقعیت آمریکا در حیاط خلوت سنتی آن هستند. واردات گسترده نفت و منابع معدنی و تأمین نیازهای صنعتی، چینی‌ها را به یک بازیگر مشتاق برای گسترش همکاری‌های اقتصادی با آمریکای لاتین تبدیل کرده است.

براساس گزارش‌ها، سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بازارهای کشورهای آمریکای لاتین، به شدت گسترش یافته است و به‌ویژه در حوزه حمل‌ونقل و جاده‌سازی در جریان است. پیش‌بینی می‌شود این حجم از همکاری در سال‌های آینده (و با اجرای برنامه‌های مورد نظرشی جین پینگ)، سرعت و شتابی مضاعف به خود بگیرد.

جمع‌بندی

باتوجه به ظرفیت‌های گسترده طبیعی و انسانی، منطقه آمریکای لاتین به‌عنوان یک حوزه با ظرفیت‌های فراخ در عرصه اقتصادی شناخته می‌شود. این ظرفیت‌های گسترده، از دیرباز توجه استعمارگران را به خود جلب کرده بود و در دهه‌های گذشته نیز ایالات متحده آمریکا کوشید تا بیشترین منافع را از حیاط خلوت سنتی خویش برداشت کند اما ظهور جنبش‌های استقلال‌طلبانه، انقلابی و چپ‌گرا در این منطقه، ورق را به زیان آمریکایی‌ها برگرداند و آنان را در مقابل رقبای مهمی (مانند چین و روسیه) قرار داد.